

تأثیر منابع نفت خاورمیانه و خزرب بازارهای جهانی انرژی

فرهاد محمدی*

فرانک عبدی**

1. Freedom House
2. Vicente Fox
3. National Action Party (PAN)
4. Institutional Revolutionary Party (PRI)
5. Hugo Chavez
6. Alberto Fujimori
7. Croatin Democratic Union (IIDZ)
8. Franjo Tudjman
9. Desi Bouterse
10. Askar Akaev
11. Vojislav Kostunica
12. Stipe Mesic

مقدمه

نگاهی به بازارهای جهانی نفت طی دو دهه گذشته نشان می دهد که بحران کاهش شدید قیمت نفت خام در سال ۱۹۹۸ و بهبود نسبی قیمتها پس از آن به خصوص در سال ۲۰۰۰ میلادی تأثیرات قابل توجهی در بخش تولید بالادستی و پایین دستی و بازار مصرف و خریداران عمده به همراه داشته است. متعاقب کاهش قیمتها در سال ۱۹۸۸ از حجم سرمایه گذاریها در بخش بالادستی صنعت نفت کاسته شد و این موضوع در بخش پایین دستی و حتی بازار گاز و محصولات پتروشیمی و پالایش فرآورده های نفتی نیز تأثیرات محسوسی به جا گذاشت. این در حالی بود که در کشورهای مصرف کننده قیمت فرآورده های نفتی و محصولات تولیدی پتروشیمی، با

*. پژوهشگر بازرگانی بین المللی و اقتصاد انرژی، کارشناس موسسه مطالعات بین المللی انرژی

** کارشناس موسسه مطالعات بین المللی انرژی

توجه به وضع مالیاتها تقریباً ثابت ماند و در مواردی با افزایش نیز روبرو بود.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) با در دست داشتن حدود ۴۰ درصد تولید جهانی نفت خام و دارا بودن بیش از سه چهارم ذخایر شناخته شده نفت جهان در تحولات دو سال اخیر ابتدا با کاهش تدریجی تولید و سپس با افزایش تدریجی تولید، هدف تثبیت قیمت نفت را به همراهی دیگر کشورهای تولیدکننده غیر عضو اوپک دنبال کرد و نقش مؤثر این سازمان به عنوان سازمانی تأثیرگذار به بازار جهانی نفت بار دیگر گوشزد کرد.

مهمترین تولیدکنندگان اوپک در منطقه خلیج فارس قرار دارند و تحولات بازار جهانی نفت بر صنعت نفت و اقتصاد عمدتاً تک محصولی آنها تأثیرات قابل توجهی به همراه دارد. بنابراین بررسی دقیق علمی تحولات بازار جهانی نفت می تواند این کشورها را در بحرانهای بعدی و روشهای مقابله با آن یاری دهد. این کار هر ساله با برگزاری سمینارهای مختلف انجام می شود.

پنجمین همایش سالانه موسسه مطالعات بین المللی انرژی در تهران با عنوان

«تأثیر منابع نفت خاورمیانه و خزر بر بازارهای جهانی انرژی»، در آبان ماه سال ۱۳۷۹ با حضور کارشناسان و صاحب نظران ارشد داخلی و خارجی با هدف بررسی تحولات اخیر در بازارهای جهانی نفت برگزار شد.

در این همایش دو روزه موضوعاتی همچون منابع و ظرفیتهای نفت خاورمیانه، بازنگری در ذخایر نفت خزر، سرمایه گذاری و قراردادهای نفتی، تأمین انرژی و همکاری مصرف کنندگان و تولید کنندگان، فن آوریهای پیشرفته صنعت نفت، تأمین و عرضه نفت خام و سیاستهای مرتبط به آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این همایش بیشتر همکاری های بین المللی نفت و برنامه های آتی صنعت نفت ایران مدنظر برگزار کنندگان بود که طی ۹ نشست و نشست وزرا و مدیران اجرایی به نظر شرکت کنندگان همایش رسید. در گزارش حاضر کوشش خواهد شد، مهمترین نقطه نظرات و دیدگاه های سخنرانان در معرض دید خوانندگان قرار گیرد:

اولین سخنران در جلسه نشست وزرا، وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران بود که طی صحبت های خود اظهار داشت نام خاورمیانه

وخلیج فارس در عصر حاضر با نفت عجین شده و خوب یا بد، ملتهای منطقه و ناظران سیاسی-اقتصادی هر حادثه‌ای را که در این منطقه رخ می‌دهد به نوعی مرتبط بانفت می‌دانند. از سوی دیگر منطقه خزر نیز به نوعی در زمینه انرژی دارای اهمیت می‌باشد.

وی یادآور شد، بر طبق پیش‌بینی‌های به‌عمل‌آمده در مورد ترکیب انرژی جهان، تا سال ۲۰۲۰ میلادی، مجموعه سهم نفت و گاز طبیعی با نسبتی حدود ۵۶ درصد انرژی مصرفی جهان تفاوت چندانی با وضعیت موجود نخواهد داشت، ولی در این مجموعه دو الی سه درصد از سهم نفت کاسته شده و تقریباً به همین میزان به سهم گاز طبیعی اضافه خواهد شد. از این رو طبیعی است که مقدار مطلق مصرف، افزایشی چشمگیر نسبت به وضع جاری خواهد داشت. چنانچه رشد تقاضای نفت برحسب برآوردهای محافظه‌کارانه سالانه ۱٫۵ درصد منظور شود، تقاضا برای نفت خام در جهان در پایان دوده آینده به ۱۱۰ تا ۱۲۰ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

وزیر نفت متذکر شد، روند فعلی تقاضای نفت نشان می‌دهد که سهم اوپک در تأمین تقاضای جهانی در سال ۲۰۲۰ به ۵۰ تا ۵۵ درصد خواهد رسید که به معنی حدود ۶۰ میلیون بشکه تقاضا برای مجموعه اعضا خواهد بود. ایران حدود ۱۵ درصد تولید نفت خام اوپک را در اختیار دارد و برای حفظ این سهم باید بتواند ظرفیت تولید نفت خود را طی دو دهه آینده حدود دوبرابر کند. البته طی سه سال گذشته بیش از ۲۶ میلیارد بشکه نفت خام و ۸۵۵٫۳ میلیارد متر مکعب بر ذخایر گاز طبیعی کشور افزوده شده است. وی ادامه داد که بزرگترین میدانهای کشف شده طی سالهای اخیر، میدان آزادگان در بخش نفت و میدان گازی تابناک بوده است.

وزیر نفت اظهار داشت ایران تلاش می‌کند صادرات گاز به کشورهای همسایه را از طریق خط لوله و صادرات به کشورهای دورتر بویژه در منطقه خاور دور را با تولید و صدور LNG و GTL ترویج کند و این مسئله از اولویتهای اصلی سیاستهای انرژی است.

ریلوانو لقمان، دبیر کل وقت اوپک، دومین سخنران جلسه وزرا بود که در مورد

کرد و اقدامات انجام شده در این زمینه از حد انتظار پایینتر آمد.

در مورد فعالیتهای قبلی اوپک باید متذکر شد که با افزایش قیمت نفت در جهان، اوپک طی سه مرحله تصمیم به افزایش تولید گرفت و با اقدامات خود توازن را به بازار نفت بازگرداند. وی در تشریح اهمیت سازمان اوپک در تأمین انرژی جهان اظهار کرد، در حال حاضر ۴۰ درصد تولید و بیش از ۶۰ درصد داد و ستد نفت جهان مربوط به کشورهای عضو اوپک است که با توجه به وجود بیش از سه چهارم ذخایر شناخته شده نفت جهان در این کشورها، سهم اوپک در تأمین تقاضای جهانی نفت در آینده افزایش خواهد یافت. در واقع تثبیت قیمت نفت سیاست اوپک است. کشورهای عضو اوپک برای ایفای نقش خود در تأمین انرژی جهان احتیاج به درآمد کافی و قیمت عادلانه نفت دارند و برای رسیدن به این هدف همکاری و هماهنگی بین کشورهای عضو ضروری است.

آخرین سخنران این جلسه دکتر عبدالرحیم گواهی، دبیر کل اکو بود که در سخنان خود یادآور شد در دهه های اخیر،

نقش جاری و آینده اوپک برای تأمین نیازهای انرژی ایران می باشد. وی علل اصلی بالا بودن غیر طبیعی قیمت نفت را کمبود سوخت در آمریکا و تنش مداوم در خاورمیانه عنوان کرد. البته در بحث قیمتها نباید از موضوع مالیاتهای سنگین موجود در کشورهای مصرف کننده غافل بود.

لقمان در ادامه خاطر نشان کرد، بسیاری از صاحب نظران معتقدند سیاست زمان انتخابات در آمریکا، عامل افزایش حداقل چند دلار از قیمت کنونی نفت می باشد. وی گفت: اوپک هنوز هم توانایی افزایش تولید خود را دارد. البته در صورت کاهش بیش از حد قیمتها نیز کارتل اوپک تصمیمات جدی اتخاذ خواهد کرد. در واقع اگر قیمتها به کمتر از ۲۲ دلار در هربشکه کاهش پیدا کند، ما یقیناً تولید خود را کاهش خواهیم داد. باید گفت کشورهای عضو اوپک به دلیل تحولات سالهای گذشته و افت قیمت نفت، ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار متضرر شدند. این موضوع تأثیر نامطلوب بر اقتصاد آنها داشته است، زیرا بر اثر کاهش قیمت نفت، حجم سرمایه گذاری در تولید و اکتشاف نفت در کشورهای عضو اوپک افت

ما اطلاعات بیشتری در مورد نیاز به ایجاد مکانیزم‌های جدید برای ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای دریافت کرده‌ایم. تحولات اقتصادی و اجتماعی، در نتیجه ابتکارات تکنولوژی، بهبود وضعیت حمل و نقل و ارتباطات و همچنین انتظارات مشروعی که کشورهای در حال توسعه دارند، همه و همه موتور تحرک بوده است تا گروه‌بندیها و تشکلهای اقتصادی منطقه‌ای ایجاد شود. سازمان همکاری اقتصادی اکو نیز از جمله این تشکلهاست که بنیانگذاران آن کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان بودند. سپس کشورهای آذربایجان، افغانستان و ۵ کشور آسیای مرکزی یعنی قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان به آن پیوستند. این سازمان تلاش می‌نماید تا با بهره‌گیری از فرصتهای جدید برای افزایش تجارت، سرمایه‌گذاری و تولید در کشورهای عضو خود، شرایط مساعدی فراهم کند. هدف اصلی اکو برای افزایش همکاریهای اقتصادی بین کشورهای عضو، بدون شک موجب ایجاد بازارهای چند ملیتی می‌شود. این سازمان همچنین تشویق می‌کند که واحدهای تولیدی جدید ایجاد شود تا از امکانات و ظرفیتهای منطقه بهتر استفاده گردد. دبیر کل اکو در مورد کشورهای عضو این سازمان که در دریای خزر قرار دارند اظهار داشت، رساندن محصولات نفتی آنها به بازارها و رشد و توسعه منابع آنها از اهداف دیگر سازمان اکو است، چرا که بازارهای خود آنها جاذبه چندانی ندارد و درآمد سرانه آنها زیر حد قابل قبول است. وی افزود، جمعیتی حدود ۳۰۰ میلیون نفر در منطقه‌ای حدود ۷ میلیون کیلومتر مربع که بین ۱۰ کشور عضو پراکنده هستند، می‌باشند. اکو به عنوان یکی از تشکیلات منطقه‌ای مهم در نوامبر ۱۹۹۲ تأسیس شد و از آن زمان توجه بین‌المللی را به منابع عظیم اقتصادی خود جلب کرده و توانسته است به طور موفق چشم‌انداز آینده و اولویتهای بخش خود را ترسیم نماید. ولی در شرایط و جو کنونی و آسیب‌پذیری شدید کشورهای مختلف، سازمان اکو سعی می‌کند تا نقش کلیدی خود را حفظ کند. به طوری که چهارچوبی را فراهم می‌کند تا شبکه زیربنایی کشورهای عضو و کشورهای ساحلی دریای خزر توسعه یابد.

بتانسیل عرضه نفت و مسایل مرتبط با آن
سخنرانی شهریار هندی، محقق
ارشد موسسه مطالعات بین المللی خزر با
عنوان «معاهده منشور انرژی چگونه
می تواند به ایران پاسخ بگوید؟»، ایراد شد.
وی ابتدا معاهده منشور انرژی را از دیدگاه
تاریخچه، اعضا، فعالیتها و اهداف مرور کرد.
این منشور بدین منظور تصویب شد تا
تسهیلاتی در تجارت میان کشورهای عضو
خود ایجاد کند و مشارکت در بخش انرژی
میان کشورهای اروپای غربی، اتحاد جماهیر
شوروی و اروپای مرکزی و شرقی را مهیا کند
و اکنون سعی دارد تا در امر سرمایه گذاری و
تکنولوژی بسیار فعال باشد و در مشارکتها
منافع طرفین را به طور یکسان در نظر گرفته
و تسهیل کند. وی با اشاره اهمیت کشور
ایران در تأمین تقاضاهای آتی انرژی جهان
به لحاظ وجود دو منبع عظیم انرژی موجود
در جهان، یعنی خلیج فارس و دریای خزر،
اهمیت عضویت این کشور در اوپک را
یادآور شد.

مختلف انرژی مدنظر قرار می گیرد. با توجه
به اینکه منشور در حال گسترش و رشد
بین المللی است، شاید برای کشوری
همچون ایران که دارای نقش بین المللی
حیاتی در صنعت انرژی است، لازم باشد با
آن منشور همکاری نزدیک داشته باشد.
ایجاد چنین ارتباطی قابل ملاحظه است و
ارزش مطالعاتی دارد، چرا که سازمان های
مهم بین المللی باید با یکدیگر ارتباط داشته
و اعضای مشترکی نیز پذیرا باشند تا بتوان
مشکلات و موانع را رفع کرد. در این میان
شاید اختلافاتی نیز وجود داشته باشد، اما با
بررسی دقیق می توان راه را برای آینده
هموار ساخت و جلوی بسیاری از مخاطرات
آینده را گرفت.

امیر محمد حاجی یوسفی، استادیار
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه
شهید بهشتی، موضوع «نفت و امنیت
خلیج فارس در آغاز هزاره سوم» را
مطرح کرد. وی اظهار کرد حمله عراق به
کویت در سال ۱۹۹۰ نشان داد که تا چه حد
امنیت کشورهای شورای همکاری
خلیج فارس وابسته به کمکها و مساعدتهای
ایالات متحده آمریکا است. برای اولین بار این
بررسی و مقایسه میان اوپک و منشور
انرژی نشان می دهد که در اوپک فقط مقوله
نفت مطرح است، اما در منشور انرژی انواع

کشورها بویژه کویت و عربستان سعودی به آسیب پذیری خود در مقابل حمله و تجاوز خارجی پی بردند و نیاز حیاتی شان به حمایت نظامی-امنیتی آمریکا را لمس کردند. اشغال کویت و تدارک جنگ برای بازپس گیری آن از سوی متحدین به رهبری آمریکا نیز نشان دهنده اهمیت حیاتی منطقه خلیج فارس برای امنیت بین المللی بویژه آمریکا بود. جنگ دوم خلیج فارس را می توان با قاطعیت اولین جنگی دانست که در طول تاریخ پرفراز و نشیب نفت به طور مستقیم با این ماده حیاتی سر و کار داشت و برسر آن بود. وی در ادامه گفت، امنیت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای غربی بویژه آمریکا به یکدیگر وابسته اند و این وابستگی متقابل موجب شد تا چنین همکاری وسیعی صورت گیرد و برای اولین بار در تاریخ کشورهای عربی، این کشورها در مقابله نظامی با هم قرار گیرند.

وی متذکر شد که پایه های این همکاری برمنافع متقابل طرفین یعنی نیاز آمریکا و غرب به نفت خلیج فارس و نیاز کشورهای شورای همکاری به حمایت

نظامی آمریکا در مقابل هرگونه تجاوز نظامی قرار داشته است. هریک از این دو پایه که متزلزل شوند، می تواند به کاهش این وابستگی متقابل منجر گردد و در نتیجه روابط کشورهای شورای همکاری با آمریکا تحت تأثیر قرار گیرد. علاوه بر این، در صورت تحقق چنین امری، سیمای امنیتی منطقه خلیج فارس دستخوش تغییرات جدید خواهد شد.

حاجی یوسفی در بررسی خود به تحولاتی که ممکن است دو پایه وابستگی متقابل ذکر شده را تضعیف و در نتیجه نیاز این دو گروه از کشورها به یکدیگر را برای تأمین امنیت کاهش دهد. به نظر وی اولین تحول، روند کاهش وابستگی آمریکا به واردات نفت از خلیج فارس طی سالهای اخیر و توسل به بازارهای نزدیکتر بویژه در آمریکای لاتین می باشد. تحول دوم مربوط به سیاست تنش زدایی جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی روابط تهران با کشورهای عضو شورای همکاری بویژه عربستان سعودی است.

وی نتیجه گرفت که در صورت روند کاهش وابستگی آمریکا به واردات نفت

خلیج فارس و موفقیت سیاست تنش زدایی و اعتمادسازی ایران در منطقه، وابستگی متقابل امنیتی آمریکا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس کاهش یافته و این کشورها مجدداً به تعریف امنیت خود خواهند پرداخت.

رضا فتح الله زاده، محقق موسسه مطالعات بین الملل انرژی به مسئله «بررسی مناطق خزر و خلیج فارس و تشکیل اتحادیه انرژی» پرداخت. وی اظهار کرد مناطق خزر و خلیج فارس در بازارهای بین المللی انرژی دارای نقش ویژه ای هستند و می توان با آنالیزهای مختلف نقش صادرات نفت دریای خزر را مشخص کرده و هویت و اساس و اهمیت جهانی خلیج فارس را نشان داد. مدل اقتصادی موجود نشان می دهد تقاضای داخلی انرژی کشورهای حاشیه خزر روند صعودی دارد. در این بررسی مسایل زیست محیطی، قانونی و ویژگیهای جغرافیایی مناطق نیز مدنظر قرار گرفت. وی همچنین متذکر شد که مشکل عمده موجود در دو منطقه جایگزینی رقابت منفی به جای همکاری و مشارکت است. در حالی که این مشارکت از اهمیت بین المللی

نشست مدیران اجرایی

«توازن بازار جهانی نفت و چشم انداز نفت خزر» از جمله مواردی بود که توسط کاظم پوراردبیلی مشاور وزیر نفت مطرح شد. وی در سخنان خود به تغییر روابط

کشورهای عضو اوپک با غیراوپک، ارتباط تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، لزوم کاهش هزینه‌ها در هر بشکه نفت، تولید محصولاتی که از لحاظ محیط زیستی آلودگی کمتری ایجاد می‌کند، هزینه بالای تولید این مواد و امنیت عرضه از لحاظ میزان هزینه اشاره کرد.

ایشان در مورد میزان رشد تولید ناخالص داخلی، این رشد را در سطح جهانی به میزان ۳ تا ۳٫۴ درصد عنوان کرد که برای کشورهای OECD به میزان ۲ تا ۲٫۶ درصد، برای کشورهای در حال توسعه، جنوب و جنوب شرق آسیا و چین به میزان ۴ تا ۷ درصد، و برای کشورهای تازه استقلال یافته ۲٫۵ تا ۳٫۴ درصد برآورده شده است. وی در مورد رشد تقاضای جهانی انرژی این ارزیابی را داشت که رشد آن در جهان در سال ۲۰۰۰، ۱٫۸ تا ۲٫۱ درصد، یعنی ۱۹۰ میلیون بشکه در روز و تا سال ۲۰۲۰ به میزان ۲۸۰ میلیون بشکه در روز است و پیش بینی این است که سهم کشورهای OECD در تقاضای انرژی جهانی از ۵۵ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۷ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش

یابد. همچنین افزایش سالانه تقاضای جهانی نفت برای ۲۰ سال آینده ۱٫۴ تا ۱٫۷ میلیون بشکه در روز باشد.

وی در مورد روابط کشورهای عضو اوپک و غیراوپک و تولیدکنندگان و مصرف کنندگان یادآور شد که روابط نه چندان نزدیک آنها در دهه‌های ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ به موقعیتی با همکاری بسیار نزدیک در حال حاضر تبدیل شده است. به طوری که آنها سعی دارند تا با مشارکت با یکدیگر در کاهش هزینه‌ها، ثبات بازار، قیمت مناسب و امنیت عرضه مؤثر واقع شوند.

کاظم پور در پایان، اظهار کرد، در آینده ایران مهمترین کشور مصرف کننده تولیدکننده منابع نفت و گاز دریای خزر خواهد بود و در سالهای آینده صادرات بسیار بالایی خواهد داشت. در واقع کشور ایران می‌خواهد ظرفیت تولید خود را به ۵ میلیون بشکه تا سال ۲۰۰۵ افزایش دهد. به علاوه خواستار آن است که کارآیی زنجیره عرضه از سرچاه تا مصرف کننده را توسعه دهد و استفاده از جایگزینها و افزایش صادرات گاز به کشورهای همسایه را نیز در نظر قرار بگیرد.

سخنران بعدی سید مهدی حسینی، مدیرعامل شرکت کالانفت لندن در مورد وضعیت منافع نفت و گاز ایران و پروژه‌ها و قراردادهای نفتی ایران اظهار کرد میزان سرمایه‌گذاری در ۱۲ قرارداد بزرگ جهت توسعه میادین نفت و گاز ایران با احتساب هزینه‌های جانبی آنها بیش از ۲۰ میلیارد دلار می‌شود. او تجربه ایران در زمینه تولید نفت و دسترسی آسان به نفت خام را از مزیت‌های مهم برای جذب سرمایه‌های خارجی در کشور دانست. به گفته وی میزان درآمد ایران از طریق سرمایه‌گذاری به صورت قراردادهای «بیع متقابل» تا سال ۲۰۰۵ به بیش از ۱۰ میلیارد دلار خواهد رسید و بهره‌برداری از طرح‌های در دست اجرا ظرفیت تولید نفت خام ایران، ۳۵۰ هزار بشکه در روز افزایش می‌یابد و برداشت مایعات گاز این منابع به روزانه ۳۰۰ هزار بشکه خواهد رسید. در واقع در صورت اجرای طرح‌ها ظرفیت تولید نفت ایران یک میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. وی فعالیت ایران برای توسعه میادین گاز را از اقدامات اساسی جهت توسعه صادرات و جایگزینی سوخت گاز به جای نفت، اعلام کرد. به گفته ایشان با اجرای طرح‌های توسعه میادین گازی، میزان تولید گاز ایران در پنج سال آینده به سه برابر میزان کنونی خواهد رسید.

«سیاست‌های امنیت انرژی آژانس بین‌المللی (IEA)» عنوان سخنرانی سید غلامحسین حسن‌تاش، رییس موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی بود. وی خاطرنشان کرد که سیاست‌های غلط آمریکا عامل اصلی به وجود آمدن وضعیت فعلی بازار نفت است. چهار دهه است که این کشور چنین تأثیراتی در مناطق مختلف نفت جهان گذارده است. مهمترین وجه این قضیه، نیاز کشورهای مناطق نفت خیز به سرمایه‌گذاری به موقع است که این موانع توسل به سرمایه‌گذاری را با مشکل روبرو می‌سازد، اما با همه تلاش‌ها باید گفت که پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که در دوده آینده، جهان محتاج نفت خلیج فارس خواهد بود، در حالی که موانع سیاسی زیادی در مقابل آینده بازار جهانی نفت وجود دارد. قیمت واقعی نفت برای مدت مدیدی حدود ۱۵ سال پایین نگه‌داشته شد. این مسئله

همراه با نوسانات قیمت نفت و وضعیتی که در فرصتهای سرمایه‌گذاری وجود داشته، مانع جذب به موقع سرمایه‌گذاری مورد نیاز صنایع نفت در سراسر جهان شده است. به عقیده وی در بحث قیمت نفت همواره بازیگران اصلی در پشت تمامی این قضایا قرار داشته‌اند، ولی اکنون جهان باید دید خود را نسبت به مسایل باز کند و تنها به ملاحظات اقتصادی توجه داشته باشد، چرا که ملاحظات سیاسی می‌تواند موجب افزایش قیمت‌های سرسام‌آور نفت شود. برای ایجاد ثبات، باید شرایط در آینده متغیر باشد. آژانس بین‌المللی انرژی نیز باید سیاست خود را تغییر دهد. به طوری که یا آمریکا را برای تغییر سیاست خود متقاعد سازد و یا آنکه سیاست مستقلی اتخاذ کند. به نظر وی گفت و گو بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بهترین راه برای ایجاد ثبات در بازار انرژی است. همچنین علی‌رغم وابستگی همه کشورهای نفت خلیج فارس، کشورهای اروپایی و ژاپن برای تضمین امنیت عرضه نفت به آمریکا وابسته هستند. لذا آنها باید با حضور فعال خود در آژانس بین‌المللی انرژی از ادامه حاکمیت آمریکا بر

این سازمان و بر تمامی کشورها جلوگیری کنند و تصمیمات مهمی با توجه به ملاحظات اقتصادی اتخاذ کنند، زیرا برخی فعالیتها سبب از بین رفتن توازن عرضه و تقاضا شده و رقابتهای مخرب ایجاد کرده است. وی معتقد است، آمریکا در جهت ایجاد اختلال در بازار انرژی و رسیدن به اهداف خود در منطقه، مانع از بهره‌برداری بهینه از منابع انرژی کشورهای حوزه دریای خزر می‌شود و با پافشاری در مسیرهای غیر اقتصادی برای انتقال نفت و گاز قصد افزایش هزینه عرضه آنها در بازارهای جهانی دارد.

آخرین سخنران این نشست معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران بود که انتقال نفت آسیای مرکزی از طریق ایران را مورد توجه قرار داد. وی گفت ایران امیدوار است که بتواند پل ارتباطی بین دریای خزر و خلیج فارس باشد. او با بررسی موقعیت خاص جغرافیایی ایران متذکر شد که ایران به طور سازنده اقداماتی انجام می‌دهد تا اطمینان حاصل کند که نفت به طرف جنوب جریان می‌یابد و در مورد بنادر مهم موجود در ایران و تغییرات انجام شده در

ژئوپلیتیک، رشد و توسعه منطقه‌ای نفت اولین سخنران این جلسه یوشی هیروساکاماتو، رییس موسسه اقتصاد انرژی ژاپن بود که عنوان سخنرانی وی «گسترش همکاریهای انرژی میان کشورهای آسیایی» بود. وی سعی داشت رابطه نزدیک بسیار مهم و غیرقابل اجتناب میان کشورهای تولیدکننده و مصرف کننده نفت در آسیا را نشان دهد. بنابراین وی با تشریح نقش بسیار حیاتی نفت و گاز طبیعی در آسیا امنیت عرضه و تقاضا را در سایه طبیعی شدن و متعادل ساختن قیمت‌ها امکان پذیر دانست.

به نظر او در دهه آینده منطقه آسیا نقش کلیدی در رشد اقتصاد جهانی خواهد داشت و در عین حال این منطقه به طور اساسی به واردات نفت وابسته است، چرا که در سالهای اخیر بی ثباتی قیمت‌ها به سلامت و رشد طبیعی اقتصاد آن تأثیر گذاشته و آن را دگرگون ساخته است. وی متذکر می شود که نفت خام وارداتی توسط آسیای شمالی شرقی، جنوب شرقی و جنوب غربی ۱۲٫۷ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۹ عنوان شده که ۳۱ درصد از کل واردات نفت خام جهان را تشکیل می دهد و

پالایشگاه‌ها یادآور شد که پالایشگاههای شمال ایران به صورتی تغییر خواهد یافت که در آینده بتواند نفت خام دریای خزر را پذیرفته و پاسخگو باشد. البته اینها همه گامهای اولیه‌ای است که باید روز به روز گسترش یابد. وی همچنین از تأسیس سه پالایشگاه در شمال ایران خبر داد و گفت که با موافقت وزارت نفت، بخش خصوصی برای پالایش نفت خام کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در این زمینه فعالیت خواهد کرد. وی افزود، در صورت افزایش میزان تولید نفت در کشورهای حوزه دریای خزر، ایران می تواند با معکوس کردن سیستم انتقال نفت از خطوط لوله کنونی، نفت اضافی را به صورت مستقیم به بازارهای جهان برساند.

او در پایان با اشاره به موقعیت جغرافیایی راهبردی ایران در منطقه، مسیر ایران را برای انتقال نفت حوزه خزر به بازارهای جهانی مقرون به صرفه ترین و بدون خطرترین مسیر برشمرد و آمادگی تهران را برای همکاری با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در این زمینه، اعلام کرد.

پیش بینی شده که تا سال ۲۰۲۰ به ۲۷/۵ میلیون بشکه در روز برسد. مهم اینکه بخش اعظمی از واردات نفت خام این

مناطق که از آسیای غربی یا خاورمیانه است، تأمین خواهد شد. در مجموع در حال حاضر ۸۲ درصد از واردات از آسیای غربی تأمین می شود و پیش بینی شده که تا سال ۲۰۲۰ همان مقدار باقی خواهد ماند.

آسیای شرقی مهمترین بازار برای آسیای غربی است. در واقع بازار آسیا ۵۷ درصد بازار صادرات نفت خاورمیانه را جذب می کند و بازارهای آمریکای شمالی و اروپای غربی به ترتیب ۱۴ و ۲۱ درصد از آن سهم دارند. پیش بینی شده تا سال ۲۰۲۰ سهم بازار آسیا به میزان ۶۰ درصد افزایش یابد و بنابراین می توان رابطه تنگاتنگ تولیدکننده و مصرف کننده را دریافت که چگونه منافع یکدیگر را می توانند تأمین کنند. پس لازم است این کشورها با یکدیگر و به طور مداوم

گفت و گوهای داشته باشند که این همان گفته رییس جمهور ایران، خاتمی است که مردم باید در تمامی مسایل، گفت و گوی میان تمدنها را هدف قرار دهند. در بحث

تخصصی نفت و گاز می توان از آن به عنوان تبادل نظر و ارتباطات در زمینه انرژی یاد کرد.

«سازش سیاسی و رشد و توسعه در منطقه خلیج فارس و دریای خزر در مورد انرژی» موضوع سخنرانی بعدی این جلسه بود. علی گرنامهیه، از دانشگاه لندن اظهار کرد که در آخرین دهه قرن بیستم شاهد بودیم که تمرکز بسیاری بر روی ژئوپلیتیک و همکاری میان کشورهای خلیج فارس و دریای خزر بوده است. در مورد دریای خزر، ایجاد کشورهای تازه استقلال یافته بعد از فروپاشی شوروی سابق اوضاع جدیدی ایجاد کرده که تغییرات و قوانین نوینی می طلبد. البته در منطقه دریای خزر، مسایل اقتصادی بر امور سیاسی ارجح است. کشورهای تازه تأسیس در انتظار تنظیم رژیم حقوقی جدیدی هستند تا از منابع انرژی خود استفاده کنند و نظام اقتصادی خود را سامان بخشند.

در منطقه خلیج فارس نیز باید توجه کرد که عدم همفکری، مشکلات و منازعاتی وجود دارد که حداقل در سالهای اخیر شدت گرفته است. برخی کشورها بر روی مرزها

و حتی منابع و میزان بهره بردای با یکدیگر مشکل دارند. بنابراین روابط این کشورها به اندازه ای اهمیت دارد که حتی بر روی دیگر کشورها تأثیر می گذارد و سبب ایجاد تنش وعدم ثبات می شود. هرگونه اختلاف و تنش در این مناطق می تواند جامعه بین المللی را که همان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان هستند، دچار اختلال کند و امنیت انرژی را نامطمئن سازد. در هر حال باید همکاری بیشتر جنوب و شمال خلیج فارس میسر گردد.

پتانسیل های بازار نفت منطقه خزر

اولین سخنران این جلسه فریدون فشارکی، رییس شرکت مرکز شرق-غرب آمریکا بود که در مورد «بازارهای نفت آسیا در مقیاس جهانی» صحبت کرد. وی گفت، تغییرات قیمت های جهانی نفت وارتباط و مطابقت آن با بحران اقتصادی آسیا نشان داد که تأثیر منطقه آسیا-پاسیفیک بر بازار جهانی نفت بسیار مهم و چشمگیر است. شاید این تأثیر طی ۱۰ سال آینده و یا حتی بعد از آن البته نه به شدت گذشته ادامه داشته باشد. طی همین

دوره، با تولید ثابت نفت و افزایش ممتد تقاضای نفت، منطقه آسیا-پاسیفیک نفت بیشتری نیاز خواهد داشت. قسمت اعظم نیازهای وارداتی نفت خام و محصولات پالایش شده را فقط منطقه خاورمیانه و تولیدکنندگان این منطقه می توانند جبران کنند. از این رو، خاورمیانه و آسیا-پاسیفیک می توانند با هم همکاری نزدیک داشته و روابط رو به گسترشی در زمینه نفت داشته باشند. در مقایسه، ایالات متحده آمریکا و اروپا باید از منابع دیگری تغذیه شوند و توجه داشته باشند که سهم آنها برای وارد کردن نفت از خاورمیانه کاهش خواهد یافت.

پیش بینی می شود که تقاضای جهانی طی ۱۰ سال آینده افزایش یابد و سرعت افزایش تقاضا در منطقه آسیا-پاسیفیک سریعتر از سایر نقاط جهان خواهد بود.

دکتر مهدی نعمت الهی، محقق ارشد موسسه مطالعات بین المللی انرژی مقاله خود را با عنوان «راههای صادرات نفت و گاز در منطقه دریای خزر-واقعیتها و تصورات» ارائه کرد. وی گفت، در قرن گذشته انرژی نقش مهمی در اقتصاد کشورها و رشد و

توسعه صنعتی آنها داشته است. این اعتقاد وجود دارد که حداقل طی چند دهه آینده، نفت و گاز منابع مهم انرژی باقی خواهند ماند و به عنوان موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی هم برای کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه نقش خود را ادامه خواهند داد. تقاضا برای نفت روندی رو به افزایش خواهد داشت و نفت جایگاه و وضعیت رقابت خود را حداقل در سبد انرژی کشورهای در حال توسعه حفظ خواهد کرد. از این رو، امنیت انرژی مقوله مهمی خواهد بود که کماکان تحت تأثیر عوامل و روابط سیاسی کشورهای مختلف قرار گرفته است. کشورهای صنعتی کم کم سعی می کنند تا منابع تأمین انرژی خود را تنوع بخشند. تشکیل کشورهای تازه استقلال یافته در منطقه خزر و منابع نفت و گاز آنها فرصت طلایی برای غرب بود تا منابع تأمین انرژی مورد نیاز خود را متنوعتر و مطمئن تر سازند. از جمله این کشورها، ایالات متحده است که سعی دارد تا نفوذ خود را در منطقه قوت بخشد و شرکتهای بزرگ نفتی خود را تشویق می کند تا در کشورهای دارای نفت و گاز منطقه قفقاز و

جمهوری های تازه استقلال یافته سرمایه گذاری کنند. به طور عمده تنها مسئله ای که برای این شرکتها وجود دارد آن است که آنها قراردادهایی را از نوع قراردادهای «سهم تولید» امضا کنند.

با بررسی دقیقتر وضعیت جغرافیایی این کشورها، به نظر می رسد مسئله حمل و نقل نفت و گاز این مناطق اهمیت خاصی می یابد، چرا که مسئله، انتقال منابع به بازارهای جهانی، مقوله ای است که کم و بیش رنگ و بوی سیاسی گرفته تا آنکه مسایل تکنیکی و اقتصادی آن مدنظر قرار گیرد. در میان این کشورها روسیه می خواهد که نقش عمده ای در حمل و نقل انرژی منطقه داشته باشد. ایالات متحده و نیروهایش نیز تلاش فراوان می کنند تا راههای صادراتی را در انطباق با نقطه نظرات خود احداث کنند تا امنیت تأمین و کنترل منابع در این مناطق را داشته باشند. از جمله اهداف ایالات متحده آن است که کشور ایران باید در مسیر عبور خطوط لوله نفت و گاز قرار نگیرد و در واقع این کشور خواستار آن است که ایران با هیچ یک از کشورها روابط مناسبی نداشته باشد.

این در حالی است که تمامی شرکتهای نفتی منطقه معتقدند که مسیر ایران امنترین و اقتصادی ترین راه انتقال نفت و گاز خزر به بازارهای جهانی است.

پیتر شارلند، رییس پروژه شرکت لاسمو در مورد «فرصت های موجود در نفت و گاز خزر» اظهار کرد، در دسامبر سال ۱۹۹۸، شرکتهای لاسمو و شل یک قرارداد

مطالعه و بررسی اکتشافی را با شرکت ملی نفت ایران امضا کردند، مبنی بر اینکه طرح اکتشافی را در بخش جنوبی خزر داشته باشند. بعد از گذشت یک سال شرکت Veba نیز به آنها پیوست. گروه، اطلاعات کاملی تهیه و تدوین کرد که در واقع اطلاعات لرزه نگاری ۱۰۰۰۰ کیلومتری از دریای خزر در بخش اعظم قسمتهای کشف نشده قسمت جنوبی در آن گنجانده شده بود.

محمد رضا شماسی، مدیر شرکت اکتشاف و تولید خزر در مورد «نتایج فعالیت های اکتشافی بخش جنوبی دریای خزر» گفت، با وجود دسترسی به آبهای خلیج فارس توسط ایران، شاید عنوان کردن منطقه خزر و منابع آن برای این

کشور خیلی جالب توجه نباشد. اما بررسیها نشان داده که منابع این منطقه بسیار چشمگیر است و بخش جنوبی آن که در سمت ایران است، منابع سرشار هیدروکربنی دارد. البته ملاحظات سیاسی در تمامی مراحل منابع این منطقه و فعالیت های آن را تحت الشعاع قرار داده و بهره برداری از آن را دچار تردید کرده است.

البته در مورد محیط زیست خزر کشورهای اطراف دریای خزر توجه چندانی به این قضیه ندارند، اما در مجموع باید سعی شود تا در تمامی مراحل کار حفظ محیط زیست، موجودات زنده موجود در این دریا و کشاورزی مناطق کاملاً مدنظر قرار گرفته شود.

عرضه نفت و سیاست های نفتی

نشست عرضه نفت و سیاستهای نفتی

با موضوع سیاستهای ایران در قبال تولید و اهداف تولید نفت این کشور آغاز شد و با بحث تجدید ساختار بخش نفت و تغییرات نهادی و سازمانی در جهت حمایت از سیاستها و اهداف تولید که در حال حاضر در حال اجرا است، ادامه یافت.

سید مهدی میرمعزی، معاون وزیر نفت به مسئله افزایش توانایی و ظرفیت تولید در جمهوری اسلامی ایران، پرداخت و در مورد تقاضای آینده برای نفت گفت، تحقیقات نشان می‌دهد که تقاضا در سالهای آینده روبه رشد است. پیش بینی های او یک حاکی از آن است که تا سال ۲۰۰۵ تقاضا به حدود ۸۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. حدود ۹۷ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۵ و حدود ۱۰۳ میلیون بشکه تا سال ۲۰۲۰ تقاضا داریم و در سمت عرضه، پیش بینی شده که تولید نفت غیراوپک ۴۷،۷ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۰۵، حدود ۴۹،۶ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۰ و ۴۹،۲ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۵ و ۴۸،۶ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۲۰ خواهد بود و این بدان معنا است که کشورهای عضو اوپک باید تولید نفت خام خود را به حدود ۳۶ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۰۵، حدود ۴۱ میلیون بشکه تا ۲۰۱۰، ۴۷،۸ تا ۲۰۱۵، ۵۴،۶ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۲۰ برسانند. البته سهم تولید ایران در سالهای اخیر، در حدود ۱۳ تا ۱۴ درصد بوده است. برای اینکه این سهم حفظ شود، ایران باید تا سال ۲۰۰۵، حداقل ۴،۷ میلیون بشکه در روز تولید کند و افزایش تولید ۱۶۰ هزار بشکه در روز داشته باشد که بتواند تا سال ۲۰۲۰ به ۷،۱ میلیون بشکه در روز برسد. در مورد میادین ایران، میدان آزادگان و دارخوین از جمله میادین مهمی هستند که در سطح بسیار بالایی ذخایر دارند. به عنوان مثال میدان آزادگان حداقل ۲۶ میلیارد بشکه و شاید بیشتر تولید خواهد داشت. همچنین منابع دریایی خلیج فارس از جمله سیری و بلال هستند که سیری A و E در حال تولید است.

تجدید ساختار صنعت نفت ایران عنوان سخنرانی دکتر فرامرز قدیری مدیر مناطق نفت مرکزی ایران بود. وی در سخنان خود به تحولات صنعت نفت اشاره داشت و گفت، همیشه نفت نقش مهمی در متعادل کردن روابط اقتصادی و سیاسی جهان داشته و هنوز هم مبنای تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد و به اصطلاح شیرازه تجارت بین المللی است و از ماهیت

حیاتی در اقتصاد جهان بهره مند است. همچنین با رشد و تکمیل برنامه ۵ ساله توسعه، ظرفیت تولید گاز تا میزان ۲۲۰ میلیون متر مکعب در هر روز افزایش خواهد یافت. در حالی که سرمایه گذاری ۱۰ میلیارد دلاری لازم است.

همایش «شورای همکاری خلیج فارس و تلاش برای تحقق امنیت و ثبات... فرصتها و موانع در دهه آینده»

عبدالرضا همدانی

کارشناس مرکز پژوهشهای علمی و

مطالعات استراتژیک خاور میانه

دانشگاه کویت با همکاری مرکز مطالعات خلیج فارس و شبه جزیره عربستان در روزهای اول و دوم مه ۲۰۰۱ همایشی تحت عنوان «کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و تلاش برای تحقق امنیت و ثبات منطقه ای... فرصتها و موانع در دهه آینده» با حضور اساتید دانشگاهی و شخصیت‌های سیاسی برگزار کرد. سخنرانی سفیرای آمریکا، روسیه، فرانسه و انگلیس و ارایه نقطه نظرات دولتهای متبوع خویش در ارتباط با مسایل خلیج فارس در این همایش بسیار قابل توجه می باشد، بویژه اینکه هر کدام از این سفرا نسبت به حضور ایران در سیستم امنیت منطقه ای مشترک، دیدگاههای متفاوتی داشتند. همچنین اظهارات اساتید